گفتگوهای سقراطی در تعلیم و تربیت- مبانی عقلانی و نتایج

آن پیلگرن[1]

گفت و شنودهای سقراطی مدت‌های مدیدی توسط آموزگاران و فلاسفه به عنوان کمکی در مربیگری و آموزش در کلاس‌های درس مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما مبانی عقلانی و نتایج این روش مثل این پرسش که چگونه این نتایج حاصل می‌شود، به طور کامل مورد تحقیق قرار نگرفته یا به نحو نظام‌مندی تحلیل نشده است. این مقاله، گزارشی است از یک رساله‌ی دکتری که به تحقیق درباره‌ی مبانی عقلانی و نتایج فلسفیدن با کودکان به روش گفتگوهای سقراطی می‌پردازد.(پیلگرن،۲۰۰۸)

سنت‌های مختلف سقراطی، مجموعه‌ای از گامهای روش‌شناختی را برای دستیابی به اهدافی مشابه معرفی می‌کنند. با استفاده از این گامها، انتظار می‌رود عادات عقلانی و گفت و شنودی ذهن، درونی شود و به صورت ملکه‌ی ذهنی درآید.

در این مطالعه، ۱۶ گفت و شنود طی سه سال با کودکان ۵ تا ۱۶ ساله انجام شد و مورد تحلیل قرار گرفت. زبان بدن دانش‌آموزان و تعامل گروهی به دقت با رویکردی پدیدارشناسانه مورد تحلیل قرار گرفت. این تحلیل بر اینکه چگونه فرهنگ گفت وشنود یاد داده شده و فراگرفته می‌شود و اینکه آیا روش مورد نظر باعث تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای در این زمینه می‌شود یا خیر، متمرکز بود.

این تحلیل نشان می‌دهد که تعامل شرکت‌کنندگان مهارت دیده به مرور زمان به سوی گفتگویی «پژوهش‌محور» تغییر جهت داد و توان سخن‌گفتنشان به سمت ارتباطی مشارکتی‌تر تغییر کرد. یادگیری دانش‌آموزان طیّ مجموعه مراحلی ارتقا پیدا کرد که البته تا حدی متفاوت از ایده‌آل پیش‌بینی شده بود. توانایی تسهیل‌گر(مربی) برای کنترل نقض قواعد و به وجودآوردن محیطی مطمئن برای کاوش عقلانی حائز اهمیت ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که حرکات «بی‌صدای» ظریفی مانند ژست‌ها و نگاه‌ها به برقراری فرهنگ گفت وشنودی که مولد و برابرنگر باشد، کمک می‌کند. مهارت‌های تفکر شرکت کنندگان به مرور زمان رشد پیداکرد و از نسبی‌گرایی به بررسی انتقادی تکامل یافت.

کلمات کلیدی: گفتگوی سقراطی، عادات ذهن، تعامل گروهی، فرهنگ گفت و شنود

---

۱ عضو گروه آموزش زبان- دانشگاه استکهلم سوئد